

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که چند واژه موثر را بررسی می کردیم و واژه تشریح و بدعت را بررسی کردیم. از واژه های قابل دقت در این بحث کذب است و می دانید کذب قول خلاف واقع است.

سوال: آیا در درون کذب قصد تعمد خوابیده یا نه؟ از علم لغت و معانی و بیان بر می آید که در مفهوم کذب اشراب قصد نشده است. اما در علم فقه و اخلاق اگر کسی مطلبی را خلاف واقع بیان کرد (مثلا استاد در سر کلاس مطلبی را خلاف واقع بیان کرد) این را اشتباه می گویند و اطلاق کذب نمی کنند؛ یعنی قصد را هم دخیل می دانند. در علم اصول می خواندید کذب اقتضاء قبح دارد و از این معلوم می شود که در کذب تعمد و قصد خوابیده است.

واژه دیگر افتراء است؛ این کلمه به معنای دروغی است که در آن نسبت باشد مثل اینکه کسی نسبتی را به خداوند و پیامبر بدهد.

فوق کذب و افتراء: کذب فقط بیان خلاف واقع است اما در افتراء نسبت هم وجود دارد و لذا نسبت بین کذب و افتراء عام

و خاص مطلق است. دوستان از محاورات قرآن استفاده می شود که افتراء کذبی است که در آن نسبت باشد و یا لا عن اذن

باشد قل أَللّٰهُ اذَن لِّكُمْ اَمْ عَلٰى اللّٰهِ تَفْتَرُونَ: گویا قرآن می فرماید: اگر اذن به شما ندادیم می شود افتراء.

اگر اعتبار فلان اماره (قول کارشناس) ثابت نشد یعنی غیر مأذون بود می شود افتراء ولو اینکه ممکن است آنچه کارشناس گفته است طبق واقع باشد؛ در این صورت قول بدون حجت می شود افتراء و لذا رابطه کذب و افتراء می شود عام و خاص من وجه.

یکی از مباحثی که در تشریح مطرح شده است - البته در درس دو یا سه روز آینده تشریح نماینده مفاهیم همسوی خود است - این

است که آیا تشریح غیر از قبح عقلی حرمت شرعی هم دارد یا نه؟ مثل اینکه بگوییم معصیت غیر از قبح عقلی حرمت شرعی هم

دارد یا نه؟ ببینید در مساله دو نظر وجود دارد که برخی از فقهاء هم از این نظرها دفاع کرده اند.

1: مرحوم آخوند: ما جدا از قبح تشریح چیزی به نام حرمت تشریح نداریم و این را به قبح معصیت تشبیه می کند و می گوید ما

چیزی به نام حرمت شرعی معصیت نداریم؛ چرا که معصیت چیزی جز تجسد زنا، غیبت و... نیست و فقط قبح معصیت را

داریم.

ان قلت: مگر به ما نگفته اند کما حکم به العقل حکم به الشرع پس این قبح سرایت کرده و حرمت شرعی را به دنبال دارد.

قلت: اگر ما این را بپذیریم مشکل تسلسل پیش می آید اگر از حکم عقلی بخواهد حکم شرعی به وجود بیاید لازم می آید به محض

آمدن حرمت شرعی حکم عقلی مولا به قبح معصیت بیاید و این قبح عقلی اگر بخواهد حرمت شرعی پدید بیاورد... تسلسل لازم

می آید.

از کسانی که مباحث عقلیه را خوب فهمیده است مرحوم نائینی است ایشان می فرماید درک عقل در سلسله معالیل احکام، حکم

شرعی با خودش ندارد و قانون ملازمه برای سلسله علل است. بحث قبح معصیت در سلسله علل است یا معالیل؟ (علل همان

مصالح و مفاسد است و حکم هم همان وجوب و حرمت است و معالیل هم همان استحقاق ثواب و عقاب است). و لذا محقق

نائینی گوید قبح عقل در سلسله معالیل مستلزم حکم شرعی نیست و فقط درک عقل در سلسله علل مستلزم حکم شرعی است

یعنی اگر درجایی عقل مصلحت ملزمه را درک کرد ما از درک عقل به حکم شرع می رسیم.

سوال: آیا قبح تشریح حکم شرعی به دنبال دارد یا نه؟ آقای آخوند می گوید حرمت شرعی ندارد و آیات و روایات را که دال

بر حرمت تشریح است را حمل بر ارشادی بودن می کنیم.

2: مرحوم نائینی: قبح تشریح یعنی درک عقل مفسده تشریح را (سلسله علل) و لذا به دنبال خود حکم شرعی به بار می آورد. البته

تعجب اینکه مرحوم مظفر در این بحث خلط واشتباه کرده است با اینکه متأثر از فکر نائینی بوده است. مرحوم امام خمینی حق را به مرحوم آخوند داده و بر نائینی ایراد گرفته است.

بیان ایراد: آقای نائینی شما که درک عقل را در سلسله علل فرض می‌کنید از کجا می‌گویید از این خطاب شرعی در می‌آید؟ استاد: بحث نائینی و آخوند صحبت سر خطاب نیست بلکه صحبت بر مولویت است و این دو بر بر مولویت اختلاف دارند.

الحمد لله رب العالمین